

ولادیمیر نابوکف

درسگفتارهای ادبیات اروپا

جین آستن - چارلز دیکنز - گوستاو فلوبر - فرانز کافکا
رابرت لویی استیونسن - مارسل پروست - جیمز جویس

ویراسته فردسن باوئرز

با مقدمه جان آپدایک

ترجمه

فرزانه طاهری



انتشارات نیلوفر

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۹	پیشگفتار ویراستار، فردین باولرز
۲۴	مقدمه، جان آیدایک
۴۳	خوانندگان خوب و نویسندگان خوب

جین آستن

۵۴	منسفیلد پارک
----	--------------

چارلز دیکنز

۱۳۸	خانه قانون زده
-----	----------------

گوستاو فلوبر

۲۳۸	مادام بُواری
-----	--------------

رابرت لویی استیونسن

۳۲۰	«ماجرای عجیب دکتر جکیل و مستر هاید»
-----	-------------------------------------

مارسل پروست

۳۶۳	در جستجوی زمان از دست رفته
-----	----------------------------

فرانتس کافکا

۴۲۵ «مسخ»

جیمز جویس

۴۷۸ اولیس

۶۱۷ هنر ادبیات و عقل سلیم

۶۳۳ سخن پایانی

۶۳۵ پیوست

۶۳۹ نمایه نام‌ها

www.ketab.ir

یادداشت مترجم

سال‌ها پیش درسگفتارهای ادبیات روس نابوکف را (با عنوان درس‌هایی درباره ادبیات روس) ترجمه و منتشر کردم. در همان زمان ناشر پیشنهاد کرد که جلد درسگفتارهای ادبیات اروپا را هم ترجمه کنم. چون اغلب آثاری که در این جلد بررسی شده‌اند یا به فارسی ترجمه نشده بودند یا ترجمه‌هایشان قدیمی بود و نایاب و یا ترجمه‌های خوبی از آن‌ها در بازار نبود، پیشنهادش را نپذیرفتم، زیرا برای خواننده فارسی‌زبان سخنان نابوکف درباره این آثار در خلأ می‌بود و چندان سودی در برنمی‌داشت. درسگفتارهای ادبیات روس هم همان یک‌بار در سال ۷۱ چاپ شد. در این سال‌ها ترجمه‌هایی از آثار ادبیات اروپا که در درسگفتارهای جلد دوم بررسی شده‌اند، به بازار آمد. پس علاوه بر تجدیدنظر اساسی در درسگفتارهای ادبیات روس و از جمله استفاده از ترجمه‌های فارسی رمان‌ها و داستان‌های روسی که در این فاصله منتشر شده‌اند، بر آن شدم که درسگفتارهای ادبیات اروپا را هم ترجمه کنم.

نابوکف در این درسگفتارها از متن رمان‌ها و داستان‌ها نقل قول‌های طولانی آورده است. من نیز ترجمه‌های فارسی موجود را، به لطف و

یاری ناشر، تا آنجا که مقدور بود جسته و همگی را نگاه کرده‌ام. در برخی موارد توانسته‌ام از آن‌ها عیناً نقل کنم. مواردی هم بوده که ناچار شده‌ام به دلیل بحث نابوکف و انگشت گذاشتن بر جزئیاتی خاص یا به دلایل دیگر (نه به قصد ویرایش که به ضرورت) در ترجمه‌های نقل شده تغییراتی بدهم که این تغییرات در داخل [جایگزین ترجمه اصلی شده است. گاه این اصلاحات به حدی می‌رسید که به ناچار از خیر نقل ترجمه گذشتم. مواردی هم بود که به دلیل تغییرات نابوکف در ترجمه انگلیسی متون غیر انگلیسی (مثلاً از روسی یا فرانسوی) ناچار شدم از ترجمه خود نابوکف تبعیت کنم. درسگفتار «مسخ» کافکا را پیشتر با ترجمه خود داستان به صورت مستقل منتشر کرده بودم که حال با تجدیدنظر اساسی در مجلد ادبیات اروپا آمده است. هر جا که از ترجمه‌های فارسی منتشر شده استفاده کرده‌ام، رسم الخط یا ضبط اعلام آن‌ها را عیناً رعایت کرده‌ام و به همین دلیل است که ضبط فارسی برخی از اعلام یا رسم الخط در کتاب یکدست نیست.

پیشگفتار ویراستار

فردسن باوئرز

در سال ۱۹۴۰، پیش از آغاز کار تدریس در امریکا، خوشبختانه همت کردم و صد در سگفتار — حدود دوهزار صفحه — درباره ادبیات روس، و سپس صد در سگفتار دیگر درباره رمان‌نویسان بزرگ، از جین آستن تا جیمز جویس، نوشتم. با همین‌ها بیست سال تحصیلی را در ولزلی و کرنل گذراندم.*

ولادیمیر نابوکوف در ماه مه ۱۹۴۰ وارد امریکا شد. پس از آنکه مدتی در شعب گوناگون مؤسسه آموزش بین‌المللی در شهرهای گوناگون و دوره تابستانی ادبیات روس در دانشگاه استنفورد تدریس کرد، از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۸ به تدریس در کالج ولزلی مشغول شد. در ابتدا در گروه زبان و ادبیات روسیه ولزلی، درس زبان و دستور زبان روسی تدریس می‌کرد؛ اما

* *Strong Opinions* (New York: McGraw Hill, 1973), p.5.

بعد دوره‌ای را آغاز کرد که در آن ادبیات روسی ترجمه شده به انگلیسی را بررسی می‌کرد. در سال ۱۹۴۸، نابوکف به استادپاری ادبیات اسلاوی در دانشگاه کرنل منصوب شد و آنجا ادبیات ۳۱۱-۳۱۲، استادان داستان اروپا، و ادبیات ۳۲۵-۳۲۶، ادبیات ترجمه شده روسی به انگلیسی، را تدریس کرد. در کاتالوگ دانشگاه، درس ادبیات ۳۱۱-۳۱۲، که تقریباً با اطمینان می‌توان گفت خود نابوکف آن را نوشته بوده است، چنین توصیف شده بود: «منتخبی از رمان‌ها و داستان‌های کوتاه انگلیسی، روسی، فرانسوی، و آلمانی سده‌های نوزدهم و بیستم خوانده خواهد شد. به نبوغ فردی و مسائل مربوط به ساختار توجه خاص معطوف خواهد شد. کلیه آثار خارجی به ترجمه انگلیسی خوانده می‌شوند.» این دوره آناکارنین، «مرگ ایوان ایلچ»، «شنل»، پدران و پسران، مادام بواری، منسفیلد پارک، خانه قانون‌زده، «ماجرای عجیب دکتر جکیل و مستر هاید»، طرف خانه سوان، «مسخ» و اولیس را دربرمی‌گرفت.* نابوکف اجازه نداشت در کرنل آثار نویسندگان آمریکایی را تدریس کند، چون عضو گروه آموزشی انگلیسی نبود. او در بهار ۱۹۵۲ استاد میهمان دانشگاه هاروارد شد.

بعد از ترک تدریس در سال ۱۹۵۸، نابوکف تصمیم گرفت کتابی بر اساس درسگفتارهایش منتشر کند، اما هرگز این پروژه را آغاز نکرد. (درسگفتارهایش درباره نفوس مرده و «شنل» در کتاب نیکلای گوگول [۱۹۴۴] ادغام شدند.) در دو کتابی که پیش‌رو دارید، درسگفتارهای او به همان شکل که در کلاس ارائه کرده بود حفظ شده‌اند. گذشته از اینکه باید به فال نیک گرفت که می‌توان در این درسگفتارها شاهد پاسخ نویسنده‌ای

* خانم نابوکف مطمئن است که در ادبیات ۳۱۱-۳۱۲ چخوف هم تدریس می‌شده است، اما در یادداشت‌های دانشجویان این کلاس که ما به آن‌ها رجوع کرده‌ایم چیزی درباره چخوف نیست. شاید همه‌ساله او را تدریس نمی‌کرده است.

بزرگ به شاهکارهای ادبی به چهار زبان بود، شایسته است که خود درسگفتارها در دسترس مخاطبانی گسترده‌تر قرار گیرند، چون راهنماهای ماندنی به سوی هنر داستان‌نویسی هم هستند. نابوگف، که رویکرد به ادبیات براساس مکتب‌ها و جنبش‌ها را خوار می‌داشت و منتقدانی را که با ادبیات چون وسیله‌ای برای انتقال پیام‌های اجتماعی - سیاسی رفتار می‌کردند نکوهش می‌کرد، کوشید تا فاش کند که شاهکارها چگونه به وجود می‌آیند: «در دوران کار دانشگاهی‌ام تلاش کردم اطلاعات دقیق دربارهٔ جزئیات را در اختیار دانشجویان ادبیات قرار دهم، اطلاعاتی دقیق دربارهٔ ترکیباتی از این جزئیات که جرقهٔ حسی را می‌زنند؛ جرقه‌ای که بدون آن کتاب مرده است. از این جنبه، ایده‌های کلی هیچ اهمیتی ندارند. هر آدم ابلهی می‌تواند رئوس موضع تالستوی در قبال زنا را دریابد، اما خوانندهٔ خوب، برای آنکه از هنر تالستوی لذت ببرد، باید بخواهد که برای مثال ترتیب و اگن‌های قطارهای شب‌رو صد سال پیش مسکو - سنت‌پترزبورگ را مجسم کند. نمودار در این موارد بسیار مفید است. آموزگاران به جای استمرار بخشیدن به مزخرفات خودنمایانهٔ سرفصل‌های هم‌روار و پررنگ‌ولعاب و "شکمی"، نقشهٔ دابلین را تهیه و روی آن مسیرهای درهم‌پیچیدهٔ حرکت بلوم و استیون را به‌روشنی مشخص کنند. بدون ادراک بصری هزارتوی شمشادها در منسفیلد پارک، رمان بخشی از جذابیت سه بُعدنگاری خود را از دست می‌دهد، و اگر نمای خانهٔ دکتر جکیل در ذهن دانشجو به‌روشنی بازسازی نشود، لذت بردن از داستان استیونسن کامل نخواهد بود.»*

درسگفتارهایی که در این دو جلد جمع آمده‌اند یادگار تدریس نابوگف در ولزلی و کرنل‌اند - و چهار درسگفتار هم برای موارد خاص تهیه شده‌اند. برای راحتی خوانندگان درسگفتارها را در دو جلد آورده‌ایم:

۱. نویسندگان بریتانیایی، فرانسوی، و آلمانی؛ ۲. نویسندگان روس.
در نخستین جلسه ادبیات ۳۱۱ در سپتامبر ۱۹۵۳، ولادیمیر نابوکوف از دانشجویانش خواست بنویسند که چرا در این کلاس نام‌نویسی کرده‌اند. در جلسه بعد با لحنی تأییدآمیز اعلام کرد که یک دانشجوی پاسخ داده است: «چون داستان دوست دارم.»

روش ویرایش

نمی‌توان و نیازی هم نیست پنهان کنیم که متن این جستارها بازنمایی یادداشت‌های مکتوب ولادیمیر نابوکوف برای ارائه در کلاس‌اند و نمی‌توان آن‌ها را، همچون درسگفتارهایش درباره گوگول که آن‌ها را برای چاپ به صورت کتاب بازنویسی کرد، اثر ادبی تمام‌شده دانست. درسگفتارها از لحاظ آماده‌بودن و پالودگی و حتی ساختار نهایی در مراحل بسیار متفاوتی قرار داشتند. اغلب آن‌ها به خط خود اوست، و گهگاه هم بخش‌هایی را همسرش ورا ماشین کرده است تا در هنگام ایراد درسگفتارها از آن‌ها مدد بگیرد؛ اما برخی از درسگفتارها به‌طور کامل دستخط نابوکوف‌اند، مثل استیونسن، کافکا، و بخش اعظم سلسله درسگفتارهایش درباره جویس. مجموعه خانه قانون زده عمدتاً ترکیبی از هر دوست، اما دستنوشته‌اش بیشتر است. معمولاً از صفحات دستنوشته به روشنی پیداست که انشای خام اولیه بوده‌اند، و در نتیجه نابوکوف احتمالاً می‌خواسته مفصلاً روی آن‌ها کار کند، نه فقط در اولین پاک‌نویس که نیز هنگام تجدیدنظر، و در برخی از موارد هم در سبک و هم در محتوا تجدیدنظر کرده است. به هر حال، تغییرات، چه به صورت جایگزین کردن، چه اضافه کردن‌های ساده، همیشه به‌طور کامل با نحو متن مطابقت نمی‌کردند، یا اینکه حک و اصلاحات لازم بعدی در خواندن‌های تغییرنیافته بعدی وارد نشده است. در نتیجه، وقتی که

تجدید نظر اساسی بوده، بخش‌های به خط نویسنده متن‌ها مستلزم مداخله‌های مکرر و ویراستار بوده تا چیزی را که بی‌شک به راحتی قابل تغییر بوده یا در ارائه شفاهی توجهی بر نمی‌انگیخته آماده خواندن کند.

از سوی دیگر، صفحات ماشین‌شده در مواردی بخش مهمی از یک درسگفتار را تشکیل می‌دادند، مثل مجموعه درسگفتارهای منسفیلد پارک و بیش از آن مادام بُواری. موارد زیاد تباین میان خامی نسبی بخش اعظم دست‌نوشته‌ها، حتی وقتی حک و اصلاح شده‌اند، و روانی نسبی صفحات ماشین‌شده حاکی از آن است که خانم نابوکف به هنگام ماشین‌کردن بخش‌هایی از درسگفتارهای همسرش احتیاط و ویرایشی معمول را در تدارک صفحاتی برای ایراد سخنرانی اعمال کرده است. با این حال، احتمال دارد که نابوکف برخی از صفحات ماشین‌شده را هم مرور کرده و توضیحات جدیدی به آن اضافه کرده یا عباراتی مناسب‌تر را جایگزین کرده باشد.

در مجموع، ارائه کلمه به کلمه این دست‌نوشته‌ها به خوانندگان، چه از لحاظ ساختار و چه سبک، عملی نبود. آنچه از جستار استیونسن در دست است فقط یادداشت‌های خام است؛ در نتیجه، مسئولیت نظم فعلی مطالب آن تقریباً به طور کامل به عهده ویراستار است. اما در درسگفتارهای دیگر، ترتیب کلی ارائه درسگفتار جای تردید نداشته، چون معمولاً با ترتیب زمانی خود اثر پیش رفته است. اما گاه مشکلاتی پیش آمده که فرایند ویرایش را به فرایند ترکیب و تدوین تبدیل کرده است. صفحات گوناگونِ جداگانه‌ای در پوشه‌ها هستند که یادداشت‌های ساده درباره اطلاعات پیش‌زمینه آثار بوده‌اند و در مراحل اولیه آماده‌سازی درسگفتار نوشته شده‌اند و یا مورد استفاده قرار نگرفته‌اند یا اینکه حک و اصلاح شده و نهایتاً در خود درسگفتارها گنجانده شده‌اند. تکلیف بخش‌های مستقل دیگر را نمی‌شد به این سادگی روشن کرد، و با

اطمینان گفت که نابوکف در طی سال‌های تدریسش و ارائه درسگفتارها در مراحل گوناگون برای پروراندن مطلب آن‌ها را تهیه کرده یا اینکه یادداشت‌های سردستی بوده‌اند تا احتمالاً در آینده که خواست درسگفتارها را منتشر کند به آن‌ها رجوع کند. مشکلاتی در تنظیم هم هست که ظاهراً نتیجه اضافه کردن یا تغییر بخش‌هایی از برخی از درسگفتارها بوده که احتمالاً به قصد ارائه به مخاطبان متفاوت انجام شده است. هرچا که ویراستار توانسته با اطمینان معلوم کند که این مطالب فقط برای اطلاع خود نابوکف نبوده و به تدارکات او برای ارائه سخنرانی در کلاس مربوط نمی‌شده، از آن‌ها استفاده کرده و در جای مناسب در متن بحث درسگفتار گنجانده است. اما، به طور اخص، صفحات نقل قول‌ها از منتقدان، که خانم نابوکف برای استفاده همسرش در درسگفتارهای مربوط به پروست، جین آستن، دیکنز و جویس ماشین کرده بود، و نیز گاه‌نگاری‌های کنش در رمان‌ها که نابوکف برای استفاده خودش تهیه کرده بود حذف شده‌اند.

در هر حال، دشواری مربوط به تنظیم ساختار درسگفتارها عمیق‌تر از ادغام مطالب مربوط به هم از به اصطلاح پرونده‌های نابوکف بوده است. در برخی از درسگفتارها، نابوکف جابه‌جا در شرح اثر با ترتیب زمانی بخش‌های مجزایی را آورده که در آن‌ها نکاتی درباره درونمایه یا سبک یا تأثیرپذیری را مطرح کرده است. اینکه قصد داشته این مندرجات را کجا بگنجانند معمولاً اصلاً روشن نیست؛ وانگهی، اغلبشان کامل نیستند و حتی می‌شود آن‌ها را بیش‌وکم یادداشت‌های سردستی قلمداد کرد، اما برخی از آن‌ها را به خودی خود می‌توان جستارهای کوچک و جذاب مستقل دانست. ویراستار وظیفه خود دانسته که این بخش‌ها را، هرچا که میسر بوده، با اضافه کردن عبارات ساده به مطلب پیش و پس مرتبط کند و به این ترتیب آن‌ها را در متن درسگفتار بگنجانند، یا هر وقت که می‌شده،